





7-11-5 19-41

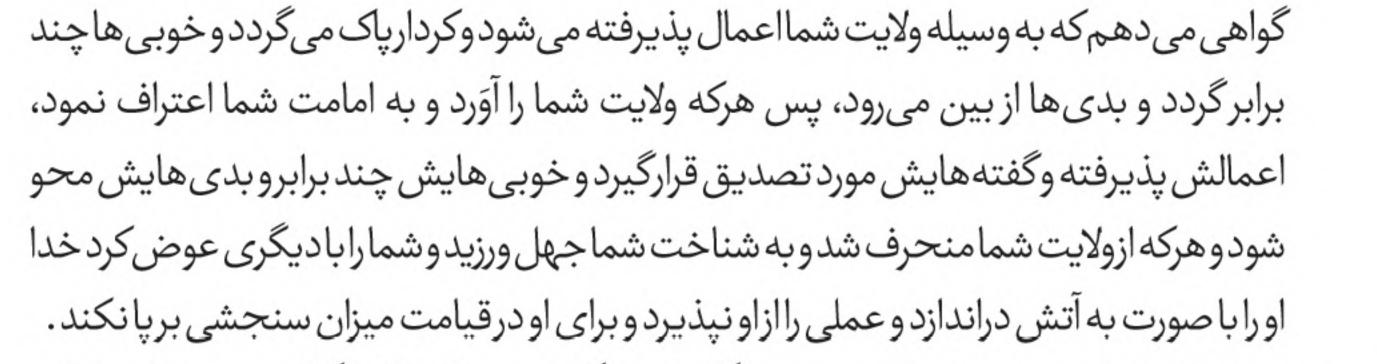
تهران، خیابان ولیعصر، بلوار طالقانی میدان فلسطین، ساختمان ستاد اقامه نماز

mahdaviat.ir info@mahdaviat.ir









این بخش درواقع نتایج سرپیچی از دو بخش گذشته راگوشزد می کند که اگرکسی به جای امام، سربه اطاعتِ دیگران بنهد، اهل جهنم خواهد شد.

درادامه زیارت و پس از این سه گواهی، زائر، خدای متعال، ملائکه و امام را شاهد می گیرد که آنچه برزبان جاری نموده «عهدومیثاق» اوباحجت خدااست.

أَشْهِدُ اللهَ وَأَشْهِدُ مَلائِكَتَهُ وَأَشْهِدُكَ يَا مَوْلايَ بِهَذَا، ظاهِرُهُ كَباطِنِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلانِيَتِهِ، وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَىٰ ذَلِكَ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَمِيثاقِي لَدَيْكَ؛

خدا و فرشتگان و تو را ای مولایم به این حقایق که ظاهرش مانند باطن آن و نهانش چون آشکار آن است، گواه می گیرم و تو بر آن گواهی، و آن عهد و پیمان من با تو و نزد توست.

علت پیمان با اماه

درادامه زائر، علِت این پیمان را نیزبیان می کند که:

إِذْ أَنْتَ نِظامُ الدِّينِ، وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ الْمُوجِّدِينَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعالَمِينَ وَيعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَعِزْ الْمُوجِّدِينَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعالَمِينَ»، «پناهگاه اهل تقوا» و «عزتِ يكتاپرستان» است و به سبب برخورداری از چنین جایگاهی دستور خدای متعال مبنی بربرقراری پیمان با او صادرگردیده است.

درنهایت هم تأکید و تصریح می کند که اگر چه ازانعقاد این پیمان سال ها بگذرامّا من نسبت به آن پایبند بوده و در هنگامه ی جهاد در رکاب شما، هستی خویش راتقدیم خواهم کرد.

فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَتَمَادَتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزْدَدْ فِيكَ إِلَّا يَقِيناً، وَلَكَ إِلّا حُبّاً، وَعَلَيْكَ إِلّا مُتَكَلاً وَمُعْتَمَداً، وَلِظُهُورِكَ إِلّا مُتَوَقَّعاً وَمُنْتَظَراً وَلِجِهادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقَّباً؛ فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَمالِي وَوَلَدِي وَمُعْتَمَداً، وَلِظُهُورِكَ إِلّا مُتَوَقَّعاً وَمُنْتَظَراً وَلِجِهادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقَّباً؛ فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَمالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَالتَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ؛

پس آگرروزگارها طولانی گردد و عمرها امتدادیابد، مرانیفزاید درباره تو جزیقین و نسبت به تو جز محبت و برتو جزتوکل و اعتماد و برای ظهورت جزتوقع و انتظار و برای جهادم در پیشگاهت چشم به راهی؛ پس جان و مال و فرزند و خاندانم و همه آنچه را خدا به من داده، پیش رویت و درمقابل امرونهیت نثارمی کنم.



برپایه روایات، اساسی ترین سبب سربلندی درسختی های عصر غیبت، پایبندی به عهدومیثاق با حجت خدای متعال است. امام صادق این دربیانی به مفضل بن عمرمی فرماید:

برشما باد دوری از خودنمایی وشهرت طلبی ، آگاه باشید! به خدا سوگند به طورقطع امام شماسال هایی غایب خواهدشد و دراین زمان شما درسختی قرار می گیرید، تا جایی که عده ای می گویند او مُرده یا کشته شده یا در سرزمین های دوردست قرار گرفته ، و دیده ی مومنان بر او گریان خواهد بود ، و شما در این زمان همانند کشتی گرفتار به طوفان ، به اضطراب میافتید، پس در چنین موقعیتی نجات نمی یابد مگرکسی که خداوند پیمان او رامحکم گرفته باشد و در دلش ایمان را ثبت کرده و او را با فرشته ی مخصوصی از جانب خود تأییدنماید....

عواقب عدم بايدارى برعهد با امام وَعَجَالِللهُ تَعَالَى

امام زمان اللي درتوقيع خويش به شيخ مفيد مي فرمايد:

اگرپیروان ما دلهایشان دروفاداری نسبت به عهدی که برایشان است، جمع بود؛ هرگز مبارکی دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و به تحقیق که خوشبختی دیدار ما، توأم با معرفت و صداقت نسبت به ما برایشان شتاب می یافت.

تصریح به مانع بودنِ «عهد شکنی» برای «همراهی با حجت خدا»، ضرورت برطرف نمودن آن را گوشزد می کند. این ضرورت هنگامی روشن ترمی شودکه پیروان اهل بیت این به گرفتاری ها و ناملایماتی که به سبب دوری ازامام زمان این دامن گیرجامعه شیعه شده وقوف بیشتری پیداکنند؛ یکی ازاین گرفتاری ها رامی توان خواری اجتماعی سیاسی درمواجهه با فاسقان ارزیابی نمود.

... ماگرچه به حسب صلاح دید الهی نسبت به خود و شیعیان مومن مان، تا زمانی که دولت دنیا به دستِ فاسقان است، از محل زندگی ستمگران دور هستیم؛ ولی آگاهی کامل ازاحوال ایشان داشته و هیچ خبری از آن ها بر ما پوشیده نیست. و ما از ذلتی که دامن گیر آن ها شده آگاهیم و این به سبب آن است که ایشان، کارهای ناپسندی را مرتکب شده اند که پیشینیانشان از آن کارها دوری می کردند. و نیز پیروان ما، پیمانی که از آن هاگرفته شده بود را چنان پشت سرنهاده اند که گویی از آن هیچ خبری ندارند....

بنابراین اگرجامعه ی شیعی در پی رسیدن به سربلندیِ حقیقی در پرتوِ بهره مندی از وجود حجت الهی است، راهی جز وفاداری نسبت به پیمانی که با آن حضرت بسته ندارد؛ پیمانی که در چهارچوبِ پایبندی به واجبات و دوری از حرام ها تجلی می یابد.



4



بررسی عملکرد حدود ۲۵۰ ساله شیعیان و توجه به رفتارهای ایشان در طول این مدت، نمايانگراين واقعيت است كه پس ازبه شهادت رسيدن هركدام ازمعصومين علهيال ، پيروانِ هدایت یافته ی ایشان دو کار را وظیفه خود دانسته وبه انجامش اهتمام می ورزیدند؛ یکی تسلیت وتعزیت نسبت به مصیبتِ امامِ پیشین و دیگری تجدید پیمان و عهد با

اهمیت پایداری بر عهد و پیمان

با مرور منابع اسلامی، روشن می شود مهم ترین وظیفه ی مسلمانان وبه طور خاص شیعیان اهل بیت علیمی پایداری بر عهد و پیمانی است که میان ایشان با اولیاء دین بسته شده و مرکزو نقطه ی محوری این عهد هم امام معصوم است.

حضرت مهدى وَحِاللهُ عِالْيُ درابتداي توقيع خويش به مرحوم شيخ مفيد الله عن مايد: مِنْ مُسْتَوْدَعِ الْعَهْدِ الْمَاخُوذِ عَلَى الْعِبَاد

ازجایگاه پیمانی که [ازجانب خداوند]برعهده بندگان نهاده شده.

آن حضرت برای معرفی خود از میان تمامی عناوینِ الهی ،این عنوان را برگزیده تا این مهمراخاطرنشان نمايدكه بى توجهى به محتواى عهدها بازگشتش بى توجهى به محور اصلی آنهایعنی «امامت» خواهدبود.

افزون براین، پایداری براین عهدتا آن میزان ازاهمیت برخورداراست که امام صادق الله ضمن بیانِ «دعای عهد» -که عهدنامه ی شیعیان باامام است - پیروان خود را ترغیب مىكندكه باخواندن ان درابتداى هرروزبرپيمانِ خود باحضرت مهدى وَعَجَاللَّهُ عَالَيد نموده و مراقبت نمایند تا نسبت به آن کوتاهی ننمایند و در صورت پایبندی به آن، یکی ازپاداشهای ایشان، لیاقت مندی برای رجعت خواهدبود.

قرآن كريم درآيات متعدد بيان مى كندكه خداى متعال ازانسان ها پيمان محكمي مبنى برپذیرش ربوبیت الهی و پایداری برولایت گرفته است.

﴿ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ

و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را برخودشان گواه ساخت که آیا پروردگارشمانیستم، گفتند: چرا، گواهی دادیم.

١. از زمان رحلت پيامبرگرامي خدا الله الله الله عليه تا شهادت امام حسن عسكري عليه

دراین آیه سخن از پیمانی است که خدای متعال در«عالَم ذر» از انسان ها گرفته و موضوع ان نيز «ربوبيت الهي» است.

واژه «رَبّ» متشکل از دو عنصر معنایی «مالکیت» و «مدیریت» است؛ یعنی کسی که برعهد خویش باخدای متعال پایدار باشد،هم مالکیت و هم مدیریت الهی را پذیرفته است. لغت شناسان رابطه ی میان «مالکیت و مدیریتِ» نهفته در «ربوبیت» را با «ولایت» مترادف دانسته اند؛ ازاین رو «ولایت» الهی ترجمان «ربوبیتِ» حضرت حق خواهد بود. با توجه به این نکته وبادرنظرگرفتنِ آیه ۵۵ سوره مبارک مائده می توان گفت مجرای «مديريت الهي» در عالم هستي در مرحله نخست پيامبراكرم الله و پس از ايشان، اميرالمؤمنين على التيلاِ است.

﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُون﴾

ولى شماتنها خداو پيامبراوست وكسانى كه ايمان آورده اند همان كسانى كه نمازبرپامی دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

ولايت امام معصوم، در طولِ ولايتِ رسولِ خدا الله الماسيرِ اجراى ولايت خداى حكيم برهستی است، و این ولایت همان ترجمانِ مدیریتِ پروردگار متعال بوده که درایه ۱۷۲ سوره اعراف از آن با عنوان «ربوبیت» یاد شده است.

در نتیجه، پذیرش سرپرستی چنین امامی ملازم است با پذیرش ربوبیت الهی که مرکز اصلي پيمان الهي ازتمام فرزندانِ ادم بوده است. ازاينروامام مهدي وَعَجَالُتُمْ فَيَعَالَىٰ درابتداي توقيع، خودراباعنوان «مستودع عهدالهي» معرفي مي كند.

همچنین درابتدای زیارت آل یاسین،امام زمان الله با عنوان میثاقی معرفی می شود که خدای متعال ان را بین خود و بندگان برقرار نموده، و آن میثاق را محکم کرده.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَه»

سلام برتوای پیمان محکمی که خدا آن راگرفته ومورد تأکید قرارش داده. وهمچنین دِرآیات دیگرقرآن،ازآن عهدالهی با عنوانِ عدم پرستش شیطان یاد شده: ﴿ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِين ﴾ ا

ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن اشكارشماست.

مجموع این آیات، رهنمون کننده این مطلب است که پایداری برعهد باامام زمان الله -که ریشه در پیمان خدای متعال با آدمیان در عالم ذَر دارد - به منزله ی پذیرش بندگی الهی و سرنهادن به مدیریت خدای متعال بوده و سرباز زدن ازآن، خروج از ولایت الهی و پرسششيطان خواهدبود.

گواهی اول ...

این شهادت با این عبارت آغاز می شود:

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَىٰ مَنْ مَضَىٰ وَمَنْ بَقِيَ ، ... درپایان این گواهی، خطاب به امام زمان فَرَجُهُ السَّيْفُ چنینِ اعلام می شود:

رَضِيتُكَ يَا مَوْلَايَ إِمَاماً وَهَادِياً، وَ وَلِيّاً وَمُرْشِداً، لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلًا، وَلَا أَتْخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيّاً: من به تو راضی شدم ای مولایم برای پیشوا بودن و راهنما و سرپرست و رهبری و دیگری را به جای تو نجویم و به غیر تو سرپرستی نگیره.

اعلام رضایت به امامت، هدایتگری، ولایت و ارشادِ حضرت مهدی و است و عوض ننمودنِ ان حضرت با شخص یا چیز دیگری در این عرصه ها، می تواند از مهم ترین مفاد عهدنامهای باشد که میان یک شیعه با امامش برقرار می شود. چرا که نپذیرفتن یا بی توجهی به هرکدام ازاین امورنتیجهای ناگوار به دنبال خواهد داشت.

گواهی دوه ...

أَشْهَدُ أَنِّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ لَا أَتَحَيَّرُمَعَ مَنْ جَهِلَكَ وَجَهِلَ بِكَ، مُنْتَظِرٌ

گواهی میدهم که توپی آن حق ثابت که عیبی در آن نیست.... شک نمی کنم و با آنان که تو را نشناختند و به تو جهل ورزیدند، سرگردان نشوم، منتظر و متوقّع روزهای شما هستم.

دراین بخش نیزنتیجه جهل به حجت خدا،تحیر و سرگردانی معرفی می شود و در مقابل آن، انتظار قرار می گیرد ؛ گویا لازمه ی انتظارِ حقیقی که دور از هرگونه آفت است، معرفت به وليّ خدا و برحذر بودن ازجهل نسبت به أن حضرت است.

گواهی سوه ...

شهادت سوم درزیارت امام زمان الله چنین است:

أَشْهَدُ أَنَّ بِولِايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمالُ، وَتُزَكَّى الْأَفْعالُ، وَتُضاعَفُ الْحَسَناتُ، وَتُحَى السَّيّئاتُ، فَنَ جاءَ بِولايَتِك، وَاعْتَرَفَ بِإِمامَتِك، قُبِلَتْ أَعْمالُهُ، وَصُدِّقَتْ أَقُوالُهُ، وَتَضاعَفَتْ حَسَناتُهُ، وَمُحِيَتْ سَيِّئاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ، وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ، وَاسْتَبْدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَتَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ مِنْخُرِهِ فِي النَّارِوَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلاً، وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْناً:

١. ابن المشهدى، المزار الكبير، زيارة أخرى له عليه ص٥٨٥؛ مفاتيح الجنان، زيارت دوم امام زمان وَعَجَّاللهُ وَعَالُهُ اللهُ عَلَيْكِ

برای تبیینِ محتوای این عهد و پیمان،ادعیه وزیارتهای گوناگونی را میتوان مورد

بررسی قرار داد که فضای کلیّ حاکم برآنها پایداری در مسیراطاعت و فرمانبرداری است

به عنوان مثال دریکی از زیارتهایی که برای امام زمان الله نقل شده و کمتر مورد توجه

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَىٰ مَنْ مَضَىٰ وَمَنْ بَقَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْعَالِبُونَ، وَأَوْلِياءَكَ هُمُ

الْفائِزُونَ، وَأَعْدَاءَكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْم، وَفاتِقُ كُلِّ رَبُّقِ، وَمُحَقِّقُ كَا

حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ باطِلٍ، رَضِيتُكَ يَا مَوْلايَ إِماماً وَهادِياً وَوَلِيّاً وَمُرْشِداً لاَ ابْتَغِي بِكَ بَدَلا،

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقِّ الثَّابِيِّ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقَّ، لَا أَرْتابُ لِطُولِ

الغَيْبَةِ وَيُعْدِ الْأُمَدِ، وَلَا أَتَحَيَّرُمَعَ مَنْ جَهِلَكَ وَجَهِلَ بِكَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ، وَأَنْتَ

الشَّافِعُ الَّذِي لا تُنازَعُ، وَالْوَلِيُّ الَّذِي لاتُدافَعُ، ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ، وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ،

أَشْهَدُ أَنَّ بِوِلايَتِكَ تُقْبَلَ الْأَعْمالُ، وَتُزَكَّى الْأَفْعالُ، وَتُضاعَفُ الْحَسَناتُ، وَتُمْحَى

السَّيّئاتُ، فَمَنْ جاءَ بولايَتِكَ، وَاعْتَرَفَ بإمامَتِكَ، قُبلَتْ أَعْمالُهُ، وَصُدِّقَتْ أَقُوالُهُ،

وَتَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ، وَمُحِيَتْ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلاَيْتِكَ، وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ،

وَاسْتَبْدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ مِنْخُرِهِ فِي النَّارِوَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلاً، وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ وَزْناً أَشْهِدُ اللهَ وَأَشْهِدُ مَلائِكَتَهُ وَأَشْهِدُكَ يَا مَوْلايَ بِهَذَا، ظاهِرُهُ كَباطِنِهِ، وَسِرُّهُ

كَعَلانِيَتِهِ، وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَىٰ ذَلِكَ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَمِيثاقِي لَدَيْكَ إِذْ أَنْتَ نِظامُ

الدِّينِ، وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ الْمُوحِدِينَ، وَبِذَٰلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعالمِينَ،...١

این فراز از زیارت امام دوازدهم به چهار بخش تقسیم می شود، در سه بخشِ نخست به

سه موضوع، شهادت داده می شود. آنچه حائزاهمیت است این است که بعد از هرکدام از

سه شهادت ،مطالبی به زبان جاری می شود که در واقع می توان هر کدام از آن ها را به

منزلهى پيمانى قلمدادنمود. زائروقتى به بخش چهارم وانتهايى اين فرازمى رسد درآن،

خداوند وامام زمان الله راگواه می گیرد که آنچه پیش از این برزبان جاری نموده عهد و

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللهِ وَخَلِيفَةَ آبائِهِ الْمُهْدِيِّينَ،...

ممتوای عهد

قرارگرفته چنین امده:

میثاق او با امامش است.

۲.سوره اعراف، آیه ۱۷۲